

جای اداره کسما

ذیر - غلامتین کتانی
ملکرافات و مکاتیب
باید بعنوان ذیل باشد
جنگل

کتابخانه

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لوازم و علامات
خصوصی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضا
و عنوان پذیرفته نشود

در اشتراک بعد از نمره دریافت نمود

قیمت اشتراک

یکسال ۵۰ قران

بابت پنجشنبه ۱۹ صبح الاول ۱۳۳۵

بر ماه چهار نمره طبع و توزیع خواهد
گشت نمره مفت شاهی

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

حقایق را درک کنید
 فریاد از جهالت
 برای اشخاص با خبر هیچ دردی بدتر از بی خبری نیست
 نیست
 برای مردمان مدرک هیچ مرضی مهلک تر از عدم مدرک
 دزد و باواری یک قومی نیست
 ملت جاهل از هر ناحیه صدائی استماع کند بدون ملاحظه
 باثر آن می رود بی آنکه بفهمد این صدا از کجاست و مقصودها
 صداهیت تعقیب و دنبال گیری آن مفید است یا مضرت
 بر عکس ملت مطمن و نابیهوده باثر هر آوازی سپر
 نکرده و دنبال هر چیزی را نمیگیرد مگر واپس از آن قبلاً
 حس نماید
 امان از بیعلی و غفلت متاسفانه بشنومیم که باره
 مندرجات جریده رعد درباره مستوفی الممالک تریه
 است بعضی بخیران را دچار تردید نماید
 استباه و غلط آن جریده بعضی کج میان را نااندره
 گو یا میخواند گرفتار شبهه نماید آه از بلاهت
 این جاست که نهان حاس که رفته شده بیاس

دوران شدید معان میگرد این مورد است شخص
 بصیر مصداق باحیرت و انوس شود جریده رعد چه میگوید
 که چه جریده یوبهار تاریخ مختصر و قانع جنگ بین البلا را
 که بهترین روشهاست رعد است در تحت عنوان
 (تاریخچه ۲۰ سال و نیمه ما و جنگ) نگاشته و مارا
 بی نیاز از ذکر یک تاریخچه نموده ولی باجم بقدر سهم
 خود شروع بیک جمله نموده انقسمت از مندرجات
 رعد را که راجع بجا حاضر کردن شرایط معاهده جدیدی
 بوده و مستوفی الممالک تقدیم داشته جواب میگویم
 رعد میگوید روس و انگلیس حاضر بودند که با دولت
 ایران با بعضی شرایط که با آنها اشاره کرده اتحاد جدید
 منعقد کنند و ممکن بود رئیس الوزراء آنوقت از دولتین
 استفاده کامل نماید زهی تعجب اگر قدری در همین شرایطی
 که امروزه مدیر محترم رعد ذکر کرده و مستوفی الممالک
 را برای آنها طاعت میکند تهنیت شود معلوم میشود که زبانی
 سخن میراید و مستوفی الممالک را که سخن تو بیخ کرده و مختصر
 قرار میدهد که چرا باقیاننده استعلال ایران را فرمود
 و ایران را بالمره تسلیم دولتین روس و انگلیس نمود

قدری از زبان قوم بدون پیرایه های انشائی صحبت کنیم و
این جملاتی که مشغول نوشتن آن هستیم خیلی شایسته و جملاتی
عازر با دقت توجه کنند.

در آن روز دولت مستبد روس و دولت ضعیف
آزار انگلیس با دولت بیطرف مظلوم ایران بمقام
دوستی دو دو بودند؟ و او را یک دولت مستقل
با حیثیتی تصور میکردند یا نه همه دیده ایم هنوز از آن
مخوشه و تا این اندازه که مدیر محترم رعد کمان دارد
و آموزش و فطرت بامسئله نشده خوب بجا آوردیم
که دولتین بعد از تعیین منطقه نفوذ دولت ایران را
مانند امارت بخارا یا یکی از امارات بی استقلال نظر
کرده معاطله را که انگلیس در مصر دروس در کرمان
و خیزد نمودند تقریباً جهان رو به وفار داشتند

ایران

ما اینکه استبداد روسیه و عناصر نوع پرست
بالشویک همه نوع مساعدت را با ایران نهادارند با
انحال قیامت دولت انگلیس در مملکت آلمانی نیست
فوقاً تصدیق کنیم سیرالپی را که مدیر محترم رعد جان کرد
و ابی با معایبی که در آن شرایط مستتر است بسیار
و ایچ تا..... برای ایران نافع باشد و دولتین هم

قبول میکردند آیا تمدن و فای آن بعد از کدام شخص بود
اوقات عهدنامه جات در کابینه های وزارت خانه
موجود است کی و فا کرد؟ در این فراز رجوع تاریخ
صد ساله ایران میکنیم بعد از مردم انصاف میخواهیم
که آیا باید مدیر محترم رعد را در حلاله مکتب مستوفی الملک
نموده تصدیق کرد یا نه و ایرادش کجاست یا
بیوجه معاهده گلستان متعاقب او ترکان چاک
عهدنامه برلین و سایر معاهداتی را که دولتین در
این مدت با ایران منعقد نمودند با اینکه برای
عظمت و بی اطلاعی از امور سیاسی و ملی و با
خیانت رجال از روزی تا آن مضر بود که بی فصلش
در اندام استقلال ایران حریف برنده بود معاهده
همه مضر آتش دولتین حاضر شدند بیک ماده
از موادش می بندگانه شرافت قول و عهد خود را
حفظ نمایند غیر قطعه از قطعات مملکت را پس از عقد
یک عهد جدید با جهان و وسیله جدیدی تجزیه کرده
آنوقت معاهده دیگری نمودند همان طور با جهان جات
مصدوده ایران را مواضع کرده و پروردگار سیاه امزه
نشانیدند آیا بلاوه کشید که پرست از مفاد و لات

کمپتر فعلی سیاست قدیمه روسیه و ایران

پوشیک فارجه روسیه مستبد از برای ایرانیان با اندازه هولناک و قهر آمیز بود و ایران را در دلیل
و پریشان ساخته بود که قلم از بیان آنها الحق عاجز است تمام آزاد جوانان روسیه فحاح و حش آمیزند
استبداد روس را خوبی موقوفند.

پتر بزرگ بعد از موفق شدن اصلاحات مملکتش تعلیمات اساسی جایگزین بر بردها آموخته خیالات
خود را نصیبت کرده بود روسیه از آن تاریخ تا بحال از دویدن و دنبال گیری مقاصد جایگیری و
خونریزی ملی فطرت نورزیده است رهای قدیم از مسلک فعالیت پرستی (Pragmatism) تصد
جایگیری کرده فقط باین واسطه اقدار خود را در انجام کار بعرضه تباه گذاشته بودند.
بیچ قوه قاهره دولتی یک حکم را موقی بجاگیری کرده و من بعد هم خواهد کرد مگر آثار دقت

و مسأله ای که این دو دولت حق شکن نموده و تمام در ایران بایک طرز عبرت آوری جز بمسئله اطلاقای وزرا و نامورین وطن خواه باشد عملیاتشان برای ما برهان قاطعی نیست که هرگونه عهدش از انحراف و بیانشان راست و بکلی بی اساس معتقد نیوم بران نزدیک تر متوجه ۱۹۰۶ روس انگلیس راجع بایران است که مرکز تائیت ملکیه و استقلاله ایران را تسلیم داشته بلکه مثل (عزیزان بی حمت دعوی و زرمه قیومیت نموده و هیچ کس ننگفت شما بکدام حرف حساب و مدرک صحیح دست از پرده برداشته و می خواهید قتم ناشود)

یکی از اقوال خودشانرا در این مورد بوضع اجراء گذاشته و یا اسات صدق برای ان نمودند قون روس بقصوب یا تحریک دولت انگلیس ماسم حمل آذوقه و حفاظت از اتباع خارجه (در حالیکه اتباع تمام دول خارجه در کمال امنیت و تجارتشان مشغول سابق بود) وارد ایران شد که پس از ختم انقلاب رجعت کنند با آنها اطمینان گیتی و قوی قون رو با ما مراجعت نمود یا اینکه اینقدر مانند و بعدو شان تا اندازه افزودند که ایران را یک خرابه جوانا کی نمود

و حالاهم که با فعالیت فردا که آنها می بالوایک رجعت نمایند بر خلاف میل و رضای دولت قحیمه انگلیس است

در این صورت چگونه مواعید بی سرودی آنها را که چراز تر دیورات دیپلوماسی بود بدون اظهار صمیمیت عملی با کف عهدهای سری که برای نفی این و قحمانی نموده بودند قیونستیم قبول کنیم آیا در لندن در آنروز حاضر بودند نفسیات و قویها بدولت ایران بدینند یا اقلا ایران را بحال خود گذاشته و دست از سر بحاره ایرانی بکشند و در صورت قولا حاضر بودند آیا عملایم ابراز صدق نمودند و یا باید دفاعی بعد خود را امتحان میدادند این حالت که بلا اطل همیست در لندن معلوم گشته و آشکار میگردد که بدیر محترم رعد با چه زمانی در خیال شده اوان است بدیر محترم رعد میگوید (شرایطی را این حاضر کردم) باید گفت بدیر رعد دولتی انگلیس قوی بوده یا نمایندگی آنها یا اینکه حاضر کردن این شرایط همان آرزوی بی ربط جوانان یا سردستان و دیگرش در امر حفظ برای خراب کردن اوان است . خوب بدیر رعد شرایط را حاضر کردی بایستی فرد

واحاسات انانیت که هنوز بقدرت عالی را که همه مجبوراً مقید با طاعتش باشند ندارد ولی از حوادث لیام همچنین نمایان میشود که دنیا محقریب عرصه تحولات عمیق خواهد شد .

اول مناسبات روسیه با ایران تقریباً در اواخر سلطنت صفویه بوده است آن روزی که ایران بواسطه پادشاهان ناهل و نالایق در هرج و مرج غلطید .

خیال روسیه بعد از تعدین طوائف قفقاز اشغال ایران و هندوستان بود چون روسها بوقت فوق العاده خطه ایران طفت بودند ولی قدرت نادری گذاشت که ایران لگد کوب و پایمال شود اگر اراده الهیه از بهر زندگانی یک ملت تعلق داشته باشد حوادث در فرام آورده ان اسباب فحای آن عاجز خواهد بود پرتیک سلطان پیدانه (کاترین) از یکطرف عثمانی را مغلوب و از طرف دیگر (پولونیا) را مغضوب نمود . روسیه با قوه ترونازه خود بایک حرص قوی داخل مبارزه میدان سیاست شده ولی خیلی محروم

موس
بیاد

تاریخ ایران از زمان ساسانیان تاکنون

از روز قبول کند دولتین باین باب اگر دولتین حاضر قبول بودند چرا نکردند اگر من باید قبول کنم گرچه در آن شرایط ممکن است خیلی تعهدات باشد مع ذلک برای اطاعت میل بدیر محترم رعد قبول داشته و در نیکم اگر نوشتن و قبول خود بدیر عالی کافی بود پس بک جمله را که ما نمیدانستیم خوشبختانه کشف آن موفق شدیم که دولتین فیم ایران بودند و بدیر رعد قیم دولتین (فرع زیاده بر اصل کوبادیا جابجور و نباشد) اما با عثمانی و آلمانی متحد نشدند (آن بدیر محترم یقیناً مایل باین اتحاد نبودند) مستوفی آلمانی از اینها برای سعادت مملکت نتوانست استفاده کند باید از آقای سپهسالار اعظم آقای فرمانفرما که بدینجهان در کابینه آن روزی عضویت داشتند تحقیق نمود مندرجات نوبه در میاراهم در مقابل گذاشت تا به دلیل شود که مستوفی الممالک نتوانست استفاده کند باین دو وزیر ایران پرست خیالات او را عظیم گذاشتند.

بجسم فتون روس سالی تحت درخواست کلا زاندار مری انضال وال شوروی سنگیری غده از و کلا و حار حرکتان نسبت تم و خیال جاجرت

تا بعد از ایران از طهران و سایر حوادثی که ظاهر شده آیا برای اثبات مدعای ما کافی نیست باز هم دلیل مستوفی الممالک از دوستی دولتین استفاده نکرد با اینکه بقول به علم محترم ما ممکن بود ولی کفایت نداشت فرمانفرما سپهسالار و دولتین الدوله هر یک در زمان زمام داری خود که از راه غراب شیر ناله داشتند برای حفظ فواید غیر مستوفی دولتین و بر بادی ایران بیشتر از خود دولتین از تمام داشته تسلیم صرف اجابت بودند اما معامله دولتین با آنها چگونه بود چرا آنها این استفاده باینرا که رعد میگویند نمودند یا دولتین با آنها حاضر نشدند با همصمیمیت این سه رئیس الوزرا، جز اینکه دلفک و منخره سفارت روس شریعت زاده قایمقام الممالک مانها حاکم مطلق و هر ره گردهای الواط تبعه روس فرمانفرما و امرجهه وزراء و رجال بودند وزیرانیکه با عقاید و خواہشات دولتین و نیات سوءشان در باره ایران همراه بوده حتی کارگیشان بودند و دولتین برای جلب خاطر با بقای اعتبارات آن وزراء، گراندک مساعدتی نشان دادند.

برجه که با پروسیا و اطریش (اتفاق مقدس *Sacree alliance*) به خواست حرکات انقلابی فرانسه را که تازه از غرب طلوع کرده بود ساکت کند باز همان غرور استبداد قیام ملی (سنگری) را بر حسب عهده اطریش ماسر نیزه خاموش کرد ولی بهای لیون با قتل بس و خسارت های لی اندازه که مینوز از قلوب مردم انامان محو شده است.

پولیک استیلا و استملاک که باعث شدیدترین زوال حق حیات است نوبه نوبه در قریم تقفاز سولتان، ترکستان، بحرین شد. کشف حوالی (سیریا)، از طرف قزاق (پرمونک) چشم چرخ استبداد را بسوی اقصای شرق متوجه کرده بود.

حوادث متصلاً بروسیه یاری میکرد و زمانداران چاریم از فرصتهای زمان و از احوال پریشانی لشکریکه در اطراف روسیه خون خودش را میخوردند سودهای دافرو میروند، موفقتهای پی در پی در آذربایجان

دستی و طاعت استفاده مختصری نمودند که نامستوفی
 الممالک برای عدم تحصیل آن مورد تنقید شود عجیب.
 مستوفی الممالک مورد تنقید و تهمت میگردد که چرا ایران
 را بر روس و انگلیس نفروخت و برای رضای دولتین
 ایران را بجنبگ متحمین اروپای مرکزی سوق نداد
 ولی تاراج کنندگان ایران و مزدوران اجانب
 دفاع نموده تقویت میکنند برای اینکه شخص ترویج
 پلٹیک و تشدید نفوذ دولتین مملکت را با این حال
 اشفاق فعلی متبلا کردند.

اشخاص بشرح بن مختصر پرداخته تحقیق کلی را از روزنامه
 محترمه نوبهار که بسیار صحیحه مشغول تشریح اصل
 قضیه است منظریم.
 بقدر سهم خود از یک عضو پاک ایرانی که در تمام زبان
 زندگانی خود از روی صحت درستی رفتار کرده است
 نموده ملت زود باور ساده لوح خود را مخاطب
 ساخته میگویم بهر قولی فریب نخورید و دنبال پرهیز
 زودید بالاخره

حقایق را درک کنید

اما چرا اتحاد با آلمان را موفق نشد باز هم باید زود
 جنگ آن روزی تحقیق نمود و با داریا کرد که چرا این
 را از خیالات رئیس الوزراء در مسئله اتحاد با آلمان
 عثمانی آگاه کرده و دشون روس هم بر بی مایست
 با آن ترتیباتی که امروز عمداً مدیر محترم رعد فراموش
 کرده هجوم نموده مانع از موفقیت دولت گردیده و
 این فرصت بزرگ هم برای گان از دست یافت -
 مقصود از تعرض محفوظ - بی تقصیر مورد تعرض و تهمت
 میشود ! حل این معما باز هم بعهده افکار عامه است
 ما همین مقدار قناعت نموده در عالم حق گوئی و
 حق طلبی و طرفداری از حق بی ملاحظه متب و بعض

ترجمه از روزنامه پیچ سوز
 بوجب نگارشات جرائد ایران در اکثر بلاد ایران
 گرسنگی و قحطی شدت حکمفرماست تدریجاً حکومت
 ایران در این خصوص که اتحاد نموده است به تمام
 حکام ایالات و ولایات حکم کرده است که انبارهای
 غله اتباع خارجی را خراج نمایند.
 در قزوین - ۲۰ نفوس اذیت بخانه آقا محمد نام تاجر
 ریخته همت هزار تومان پول و قدری جواهرات برفت
 برده اند
 کیساریای محلی تعقیب نموده ولی موفقیت حاصل
 نکردند مخصوصاً از طرف سالکات تا اینکه مرگت برفت

خلق عالی از بعضی تأثیرات نبود اگر بخت اقبال را برقیات ملل غلبت بهم میوود گفت که اول ملت باقبال
 دنیا رو سیاه است . استبداد چاریزم که با ظلم و جور بی اندازه خلق را از خودش متنفر کرده بود
 برای اینطور تأثیرات ملت را با فتوحات جدید سمرت و گرم مییود . خصوصاً فتوحات برای حکومت
 استبدادی که همه وقت صرف در شوه خور میباشند مداحل کلی حاصل میگردد . جنگ روس و ژاپون
 بطرز میل انگلیس خاتمه یافت ولی چاریزم بازار عادات ویرنه خود دست نکشید . انگلیس از رئیس
 و بحری آلمان که فی الحقیقه عالی از دینت دول نبود مجبور شد که از سیاست انفرادی خود صرف نظر نموده
 با فرانسه در روسیه متحد باشد . اول با دولت فرانسه در باره مصر و فانس معاهده (Entente cordiale)
 را بست و در تاریخ ۱۹۰۷ با موسیو (ایدوولگی) وزیر خارجه روس عهدنامه مشهور را در باره
 ایران عقد نمود . انگلیس بعد ازین تاریخ هر وقت طرفدار چاریزم شد در روزنامه دایر کردند که عالی

پی در پی میباید امتیازات سابق از مالی بدست بیاورد
 شده و بی اندازه بوخت و در بوخت اندرند - جلوی
 این نوع دزدی با راقه نیت که مگر دومی نماید
 در خصوص سرفه مالک آنها که در قزوین شده است
 بوزارت امور خارجه مکتوبی نوشته شد اما فضای
 جلوگیری از خواستارند

از قرار خبر خصوصی که رسیده است فیما بین امیر
 و اقدار سلطنت در نزدیکی من آباد لاجورد مختصر زود
 خوردی شده در این جنگ و نفرز خدای شده
 بعد اقدار سلطنت بطرف جنب آباد رفت معافه
 الملك با اقدار سلطنت و قدری سواره و پیاده
 برداشته به پیش اقدار سلطنت آمده اند

جنگل

جمله راجع بحراج انبارهای غله عمل تر دید است
 مکتوب

مقام محترم بنیت اتحاد سلام و امت برکات را
 بکشت از مردمان دور افتاده از آبادی و گوشه
 نشینان سیامکل و دیلمانرا جلب و بعرض سکر
 عیسی از تشکیل مجلس تحقیقات متوجه بنمایم
 بعد از بدستهای ظالمت های بشمار که در تحقیقات آنها

مثل کوفتد قربانی بهر مبلغ که پیشان بوده بضر نسیان
 و چاق و انواع شکنجه با بچ میگردند کور کوراته مارا
 مقلد خود دانسته و با اینکه تصور میکردند که خردند
 مارا برای ذلت و رحمت خلق فرموده در این سنوا
 ماضیه آنچه را که سزاوار بر مع ذی روحی نبوده بر سر ما
 بدست ما وارد میآخستند بطوریکه ابد امکان نبوده
 بتوانیم اظهار حس و حیات نمایم عاقبت خیریکه مارا
 امیدوار نموده همان توای ملیه و فداکاری چندین
 ساله و احساسات وطن پرستانه ذوات مقدر آن
 بنیت نادت نصرتهم که بحسن عاقبت عموم ملت گیلان
 تلقی نموده خصوصاً استشارت عدالت تاسیس مجلس
 قانونی در کلیه قضایات و نواحی گیلانات فاصه در
 قضیه دیلمان که ابد احتمال این بدل توجه را نمیدانم
 سرفراز و موهوب شدیم بحکم الله از عرقه بیع المولد
 مجلس تحقیقات از طرف بنیت مقدسه تاسیس برای
 رسیدگی بموجب اعلان رسمی بحقوق کلیه مردم بدون
 هیچ ملاحظه و تأمین در حفظ نوامیس و جلوگیری از فرس
 و احش و خیانات و سرفه شده امید داریم از خضر
 منان آن ذوات مقدسه را از بر آفت و بدی مهربان

از نوک و اقدار روسیه و باین واسطه (ژنرلین) های انگلیسی را که متفرار استبداد روسیه بودند از
 جواهرات آن خود کردند . مقاله دوم حکومتین نفوذ روسیه را در منولستان و نفوذ انگلیس را در
 (بنیت) مقصد شد .

استبداد روسیه ایرانیا نرا مبتلای چه مصیبتها کرده است لزوم بشرح ندارد برای اینکه واقعات این
 عصر را همه میدانیم . انترنگ بازمی و شدت روسیه تا اندازه این ملت بیچاره را فشرده است که
 ایران عصر از جزایی و پریشانی نمیتواند خلاص شود . انگلیس هم ظاهراً انگلی در باطن با یکس پرکرم
 صیب دارد کار میکند .
 زمانی که جنگ عمومی شروع کردید ایران بار و دو های جنگی و بنظره های خونین ملک خود تا شالی
 کشت در حوالی غرب ایران آمازندگان نیز نباید خست از (ارس) گرفته تا نصف ایران همه جا
 بقیه داد

و محروس فرماید و جمیعاً ما داریم که اگر عراض ناقابل باشد مانده گانرا از مرز زنه گان محسوب و این مقاله را در جریده فریده جنگل دام بقائه ثبت فرمایند تا در قطار اشخاص صاحب روح شباریم ظلمت الام علی نام

بامضا ۳۲ نفر

کمیسیون اعانه قحرا

جمیعت کثیری از قحرا و مساکین که از داخله ایران کیلان وارد گشته و همه بحال پریشانی و بیوایی گذرانیده و تلف میگردد و دیده مخصوصاً در داخله شهر سجا و زرافت هزار نفر گرسنه و بیجانمان میباشند کمیونی از اشخاص نوع پرست و نیکوکاران و مشغول تینه موجدات آسایش حال قحرا گردیدند آقای حاجی سید مهدی علوی آقای اسکندر خان آقای حاجی آقا رضا مدرس عوده الوتقی آقای میرزا محمود خان معاون کارگزاری که اعضا کمیسیون بمقصد بعنوان نمایندگان یکجا آمده از بیت مقدس اتحاد اسلام درخواست مساعدت نمودند بیت محترم میرزایی ده هزار تومان با دانه و جو مات بیت حواله داده که هر ماه مبلغ مذکور را کمیسیون اعانه سردانند اقدامات نوع پرستانه اعضا کمیسیون که بانگال جدیت مراقب اسباب قحرا بمقصد قابل تحسین و تجدید تقریباً مساوی قحرای شهری مدد و مات های کیلان اشخاص غریب پریشان ریشه اند که بحکم بیت مدد هر وی از آنها پذیرائی نموده و سایر اسباب زندگی آنها را فراهم کرده و میکنند (پایه با مسادات و درای)

رفع اشتباه

آقای میر محمد حسین خان مدیرانیه کیلان برای ملاقات کارکنان بیت مقدس اتحاد اسلام یکجا دو و دو نوره پس از ملاقات چهار مرتبه شرف نمودند علت رجوع را بوجه توقیف ایشان از قای کار گذار

جد آکدیب میکسیر و پشان را همیشه از اشخاص کانی صریح مصلح دانه محرفیت این نوع با مومین گانی لایق را بر موقوفه توانیم

تقریظ

جریده شریفه زبان آزاد را که الحق زبانی است حق کو و آزاد تبریک میگوئیم.

بشارت

جریده شریفه خورشید از حاق تعطیل خارج بطبیع ثابثی خود نورانی جریده بود الم مطبوعات اندانی نمود.

چند نکته

مطبوعات

« استر آرقابینه های ایران »

« فطریک قوه مقدری باید تیه شود که میت دولت انگله »

« بان قوه داشته تا بتواند کار کند : وطن هم بعضی شود. »

« اولاً : افکار عمومی باید پارتی و جوانی وجود ندارد تا یکسان هم »

« ممکن نیست موفق گردید. »

« دوماً : قوه را که مدبر وطن میدانسته ولی نشان نداده »

« متوقی کرده است. »

مانشان میدیم پلیس خوب است پلیس شمال هم

سوماً : لزوم تشکیل مجلس مشاوریه سلطنتی در خیت پارلمان

بمعایت افکار مدبر وطن و هم مسکنانش آقایان ذیل را معرفی

مینامیم تا با سرعت اوقات موفقیت تشکیل گشته پرده اس از نظره

چونانک ملکیت بلا رفته فضای امید را با دیده مدبر وطن مشاهده کنیم

تشکیل مجلس مشاوریه سلطنتی (یا آندوی وطن)

بوقیاق العینیم

اول کار ما بنام خدا پس مبارک بود چه قوما

حضرت قدس لائل السلطان آقای کاروان میرزا میر کبر آقای

مجامع السلطنه حضرت آخوند خراسانی حضرت آخوند خراسانی

آقای قزاق السلطنه آقای وثوق الله اول اهل حضرت زمانها

